

## The Concept of Efficient Government in Qawanin al-Wizarah by Abul Hasan al-Mawirdi (d. 450 AH) Understood by the Conceptual Approach of Thomas Spragens

**Alireza Ashtari Tafreshi\***

Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

### Abstract

Qawanin al-Wizarah is one of the most significant works of Abul Hasan al-Mawirdi, a policy theoretical scholar of the 5th century AH, in which he presented a constructed image of the government; however, this image is not purely theoretical, but also that is to a great amount image of government with its essential working parts and process.

Understanding the relationship between the variables active in the writer's thoughts and society with the content of this work is the main problematic issue of the current research. Despite the importance of Qawanin al-Wizara in the heritage of Islamic political thought and Islamic statesmanship, this work has been less studied by contemporary researchers when it has been more in the shadow of al-Mawirdi's more well-known other work, Ahkam al-Sultaniyyah, so usually scholars have not paid enough attention to Qawanin al-Wizarah's significance. For this reason, the current research aims to identify the main characteristics of an efficient government in this important work of statesmanship. This research by applying the thematic analysis method has tried to explain the main factors of an efficient government in Qawanin al-Wizarah. This study has been done through a library method when its main concentration has been on the Arabic text of Qawanin al-Wizarah.

A Part of the achievement of this research is the understanding of more than 300 themes of Qawanin al-Wizarah the work has been mainly constructed; The result of their analysis shows the division of themes into the categories of crisis themes, crisis causes, crisis solutions, and

\* Ashtari.tafreshi@atu.ac.ir

**How to Cite:** Ashtari Tafreshi, A. (2024). The Concept of Efficient Government in Qawanin al-Wizarah by Abul Hasan al-Mawirdi (d. 450 AH) Understood by the Conceptual Approach of Thomas Spragens. *State Studies*, 9(36), 61-98. doi: 10.22054/tssq.2024.74200.1423.

efficient government or crisis-free (ideal) government by them the work has been presented.

Our final step is the attempt to understand the achievement of thematic analysis of the text through the conceptual approach of Thomas Spragens in his book *Understanding Political Theory* (New York, 1976). By this last step, it becomes clear that al-Mawirdi considered the political crisis of the 5th century AH as the lack of structural, behavioral, and program procedures for government administration, as the main issue of Spragens is finding political-social crisis behind motivations of writing every original book in political theory.

In this step, it became clear that al-Mawirdi employed all his themes in his book to solve the crisis, when he carefully drew dozens of structural models, organizational behavior, and government programs for the ruler, Wazir, and some other main figures of government to use them to be well guided throughout the way of governing. Spragens believes that the model of "disorganization - trying to return to order" causes the emergence of political thought in the mind of political thinkers to transition from crisis to ideal.

It seems that al-Mawirdi considered disorder to be the cause of the inefficiency of the government, and he made it possible to achieve an efficient government through a theoretical production of organizational order. From the early Islamic period, the experience of the government system in Sassanid Iran was transferred to the Islamic Caliphate and caused its prosperity. But during al-Mawardi's lifetime, the government system had suffered from internal problems and degeneration;

The historical books of this period are full of all kinds of narrations about very ridiculous conflicts between government officials, such that due to a little annoyance and greed, the leaders of the government used to draw swords at each other, and the government treasures were easily looted. The Turkish generals, who were considered the special and main troops of the caliph, were also the main threat against the government structure.


In this period, the dominance of the Turkish generals over the usual routines of the Abbasid caliphate, which was previously based on the regulations of Iranian Sassanid manner, had caused the deterioration of the government's performance. Thus, the hierarchy and structure, professional ethics, and organizational behavior were also destroyed in court. In such circumstances, the *Qawanin al-Wizarah*, focusing on the themes of regulations, had been a theoretical support to overcome this internal degeneration of the government and a response to the needs of the author's era. The final result of this research has analyzed the relationship between the era and the text which was the solution to the

| 63 | Ashtari Tafreshi

crisis that had been the reproduction of the concept of efficient government.

**Keywords:** Qawanin al-Wizarah, al-Mawirdi, Efficient Government, Thomas Spragens.

## مفهوم دولت کارآمد در قوانین الوزاره ابوالحسن ماوردی (د. ۴۵۰) (ق): با نگاهی به رهیافت مفهومی توماس اسپریگنز

علیرضا اشتری تفرشی\*  استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

قوانین الوزاره یکی از آثار ابوالحسن ماوردی، اندیشمند سیاسی سده پنجم هجری است که در آن به جای مبانی نظری سیاست، به ارائه تصویری از ساختارهای حیاتی دولتی کارآمد پرداخته است؛ کاویدن زمینه‌های رابطه متغیرهای فعال در اندیشه و زمانه نگارنده با محتوای این اثر، مسئله اصلی پژوهش حاضر است. به رغم اهمیت قوانین الوزاره در میراث اندیشه سیاسی اسلام و دولت‌نگاری اسلامی، این اثر از سوی پژوهشگران معاصر کم‌تر مورد مذاقه و مطالعه منظم و هدفمند بوده و بیشتر در سایه دیگر اثر شناخته شده‌تر ماوردی، احکام السلطانیه، قرار داشته است؛ از همین رو، پژوهش حاضر باهدف شناخت ویژگی‌های اصلی دولت کارآمد در این اثر مهم دولت‌نگارانه، کوشیده است تا با کاربست روش تحلیل مضامین به تبیین مبانی دولت کارآمد در قوانین الوزاره نائل آید. شیوه این مطالعه کتابخانه‌ای و تمرکز پژوهش بر متن عربی قوانین الوزاره بوده است. بخشی از دستاورد این پژوهش استخراج بیش از ۳۰۰ مضمون سازنده قوانین الوزاره است که ماحصل تحلیل آنها نشان از تقسیم مضامین به دسته‌های مضامین بحران، علل بحران، راه‌حل بحران و دولت کارآمد یا دولت بدون بحران در نظر ماوردی دارد. طبق بازخوانی این دستاورد با رهیافت مفهومی توماس اسپریگنز، واضح می‌گردد که ماوردی بحران سیاسی سده پنجم هجری را فقدان روال‌های ساختاری، رفتاری و برنامه برای اداره دولت می‌دانسته و برای رفع آن، به ترسیم دقیق ده‌ها الگوی ساختاری، رفتار سازمانی و برنامه‌های دولتی پرداخته است.

واژگان کلیدی: قوانین الوزاره، ماوردی، دولت کارآمد، توماس اسپریگنز.

## مقدمه

قوانین‌الوزاره یکی از آثار اندیشمند سده‌های چهارم و پنجم هجری، ابوالحسن ماوردی، است که متأسفانه با وجود اهمیت فراوان در حوزه اندیشه سیاسی و تلاش برای بازسازی گفتمان دولت در تمدن اسلامی، بسیار اندک مورد توجه بوده است و بیشتر سایه احکام السلطانیه، دیگر اثر معروف ماوردی در حوزه اندیشه حکمرانی، بر آن سایه افکنده است. قوانین‌الوزاره شامل توصیفات از نحوه اداره مقام و جایگاه وزارت، شرح وظایف و تنظیم روابط وزیر با سایر ارکان حاکمیت است؛ به سبب این خصلت کاربردی، می‌توان این اثر را مجموعه‌ای از آیین‌نامه‌های داخلی دولت دانست که کاربست آنان به اداره صحیح دولت به شکلی آرمانی می‌انجامد. توصیفات ساختاری، آیین‌نامه‌ها و دستورات اداری و تنظیم روابط ارکان دولت در این اثر به زبان فاخر عربی شرح شده است و در بسیاری جای‌ها، افزون بر این بلاغت کلامی، احادیث نبوی، حکمت‌های باستانی عمدتاً ایرانی و اشعار به کاررفته‌اند تا به تعمیق و تأیید سخن نگارنده بيفزایند. این شیوه نگارش، هرچند در روزگار نگارنده، نمودی از فصاحت و بلاغت و اثرگذاری کلامی بوده است، اما متن اثر را برای اندیشه و دولت پژوهی امروزی ناآشنا می‌سازد و بسیاری از لایه‌های مفهومی، مقاصد کلان نگارنده را از نظر پنهان می‌دارد. برای رفع این مشکل و نائل آمدن به هدف اصلی این پژوهش یعنی شناخت اندیشه سیاسی ماوردی، لازم می‌نماید تا مجهز به روش پژوهشی مؤثری بود و کوشید تا با بهره‌گیری از آن، به انگیزه‌های اصلی نگارنده، نیازهای دولت‌شناختی دوران وی و آرمان‌های سیاسی مدنظر او از رهگذار بی‌طرف‌ترین واسطه میان انسان امروز و نگارنده که همان متن قوانین‌الوزاره است، دست یازید.

## مروری بر ادبیات پژوهش

به‌رغم فهرست شدن قوانین‌الوزاره در بسیاری شرح‌حال‌های قدما و معاصران از ماوردی، مهم‌ترین توجه به این اثر را می‌توان تصحیح و نشر آن، از جمله تصحیح عالمانه دو محقق مصری، فؤاد عبدالمنعم احمد و محمد سلیمان داود دانست. این تصحیح بر اساس دو نسخه استانبول و مصر صورت گرفته است (ماوردی، ۱۹۹۱: ۱۶-۱۷) و با مقدمه محققانه مصححان

و فهرست‌های آنان از اسامی و اعلام، جای‌ها، احادیث و حکمت‌ها در سال ۱۹۹۱ در مؤسسه شباب الجامعه اسکندریه منتشر گردیده است. متن عربی این چاپ *قوانین‌الوزاره* در ۲۱۴ صفحه (متن اثر ماوردی در ۱۰۰ صفحه) مبنای پژوهش حاضر بوده است (ماوردی، ۱۹۹۱: ۱۶۲-۶۱). پژوهش‌های تخصصی در باب *قوانین‌الوزاره* به‌مانند تصحیح و چاپ اصل اثر، محدود بوده است؛ برخی محققان عرب مانند فضل‌الله (۱۴۲۸ق: ۳۰۲-۳۲۸) در ذیل مقاله‌ای در خصوص تشکیلات و سازمان اداری اسلام، ارجاعاتی محدود به این اثر داشته‌اند؛ اما در پژوهش‌های فارسی‌زبان، بیشتر پژوهشگران در ذیل مقالاتی در حوزه شرح‌حال‌نگاری ماوردی و با نگاهی به آثار و اندیشه سیاسی وی اشاراتی گذرا به این اثر داشته‌اند، هرچند بیشترین توجهات ایشان همچنان معطوف به *احکام‌السلطانیه* بوده است؛ برای نمونه «پوران پودات» و دیگران (پودات، ۱۴۰۰: ۳۶۵ به بعد) به مقایسه بخشی از آراء سیاسی ماوردی با عطا ملک جوینی پرداخته‌اند که طی آن، متأسفانه به *قوانین‌الوزاره* پرداخته نشده است. آثار دیگری از این دست نیز به‌رغم ارزش پژوهشی درخور، لیکن اندیشه سیاسی ماوردی را محدود به *احکام‌السلطانیه* دانسته و با وجود عناوین کلی، *قوانین‌الوزاره* را مورد توجه قرار نداده‌اند؛ مانند اثر زهرا محمدی (۱۳۹۸: ۵۵-۷۱) در باب حکومت اسلامی و یا تلاش علی‌رضاییان (۱۳۹۱: ۶۲ به بعد) برای بازخوانی نظریه حکومت استیلای ماوردی در *احکام‌السلطانیه*. بدین ترتیب، بازخوانی اثری دیگر از ماوردی که به‌رغم اعتبار در اندیشه سیاسی و شناخت دولت، تقریباً از دید پژوهش‌گران مغفول مانده است، حائز اهمیت است.

### روش، رهیافت، پرسش‌ها و مفروضات

در این پژوهش، متن *قوانین‌الوزاره* با روش تحلیل مضامین مورد مطالعه قرار گرفته است و نیز برای فهم بهتر کلان‌الگوهای نانوشته در متن، اما مؤثر در ذهن اندیشمندان، از رهیافت توماس اسپریگنز در کتاب *فهم نظریه‌های سیاسی*، بهره برده شده است تا بحران سیاسی، علل بحران، راه‌حل بحران و آرمان‌شهر بعد از بحران (در اینجا مفروض دولت کارآمد است) در اندیشه سیاسی ماوردی فهمیده و تحلیل شود (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۵۱، ۸۰-۸۱، ۱۲۱-۱۲۴، ۱۵۴-۱۵۵، ۱۸۷). نخست، در تحلیل مضامین *قوانین‌الوزاره*، پاره‌های موضوعی اثر هر یک کدگذاری

شده‌اند. این پاره‌های موضوعی، فراخور سلیقه بیانی نگارنده شکل گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، یک مفهوم مانند «عدالت» ممکن است درجایی در قالب یک بیت شعر و درجایی در قالب حکایتی تفصیلی در فضیلت عدالت و یا درجایی، در قالب آیین‌نامه‌ای برای برقراری عدالت در متن بروز یافته باشند؛ اما پژوهش‌گر در برخورد با هر کدام، آن را یک پاره موضوعی یا «یک کد باز» تلقی کرده و مضمون آن یعنی «عدالت» را استخراج نموده است تا سپس در مرحله بعد، با بازخوانی اندیشه نگارنده از مضامین مشترک در این کدهای باز، بتواند مضامین سازمان دهنده متن و در مرحله نهایی، مضامین فراگیر متن را بازخوانی کند.

مضامین فراگیر متن، پس از استخراج و تحلیل نهایی به مضامین انگشت‌شمار، اما سازنده اندیشه نگارنده شامل «بحران و علل بحران»، «آیین‌نامه‌های دولت کارآمد» و «اصول یا آرمان‌های دولت کارآمد» تعبیر شده و برابر هر یک از آنان، بخشی از تحلیل این پژوهش شکل گرفته است. افزون بر تحلیل‌های مراحل کدگذاری و مضامین شناسی و تحلیل‌های ذیل مضامین فراگیر، برای درک بهتر اندیشه ماوردی، رابطه میان این مضامین فراگیر با مدل مفهومی اسپریگنز در دستاورد نهایی این پژوهش تبیین شده است.

اصلی‌ترین پرسش این پژوهش که تمامی فعالیت‌های پژوهشی آن را سامان داده، چنین بوده است:

۱- رابطه میان مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* با رهیافت توماس اسپریگنز را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

۲- چگونه مفهوم «دولت کارآمد» را می‌توان از میان مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* استخراج است؟

مفروضات یا مدعاهای اصلی این پژوهش آن است که:

(۱) مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* قابل تطبیق با مراحل چهارگانه بحران، علل بحران، راه‌حل بحران و آرمان‌شهر بعد از بحران در رهیافت توماس اسپریگنز هستند.

(۲) تحلیل مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* نشان می‌دهد که ماوردی دولت در دوره خود را دچار بحران ناکارآمدی می‌دانسته و تلاش داشته است تا با ترسیم آیین‌نامه‌های سازمانی، به تولید مفهوم نظری و تحقق عملی دولت کارآمد یاری رساند.

### قوانین‌الوزاره و سوانح احوال ماوردی

قوانین‌الوزاره اثری است که در نگارش آن توسط «ابوالحسن علی بن محمد بن حبيب ماوردی» کم‌تر تردیدی وجود دارد و گاه/ادب‌الوزیر نیز خوانده شده است (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۳۱۷/۵). ماوردی زاده ۳۶۴ ق. در بصره و در گذشته ۴۵۰ ق. در بغداد است. ماوردی به جایگاه بالای علمی در چندین حوزه علوم، به‌ویژه حدیث، فقه و اجتهاد بر مبنای دانش فقهی، تفسیر، ادب و علم سیاست نام بردار بوده و در هر یک از این زمینه‌ها، اثر یا آثاری فاخر به رشته تحریر درآورده است. ماوردی عالمی شافعی مذهب بوده است (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۸). از دیرباز شرح حال‌نگاران متقدم تا محققان معاصر درباره ارتباط وی با اعتقاد اشعری و یا معتزله اختلاف نظر داشته‌اند و از آنجا که در عصر وی، این دو جریان فکری، هم‌اوردانی نامدار بودند، همواره این موضوع اهمیت یافته است (رضائیان، ۱۳۹۱: ۶۲). به‌جز ساحت علمی، ماوردی، جایگاه اجتماعی و سیاسی بالایی داشته و به سبب روابط با بالاترین چهره‌های سیاسی مانند امیران، وزیران و خلفا، همواره مورد توجه بوده است (تتوی، بی‌تا: ۳۵۹)؛ گاه به سفارت از جانب خلیفه به نزد امیران رفته و مواضع وی بعضاً اثرگذار در وضع سیاسی دورانش بوده است (قزوینی، ۱۳۸۶: ۱۲۸؛ رضائیان، ۱۳۹۱: ۶۲). جایگاه علمی رفیع و نقش سیاسی مطرح، بخشی از آراء وی را به دولت‌نگاری سوق داده است. قوانین‌الوزاره در هشت باب و با کاربردی آیین‌نامه‌ای به معرفی مقام وزارت، جایگاه آن، شرح وظایف، روابط میان فرا‌دستان و فرودستان وزیر در ساختار سیاسی، اخلاق عملی وزارت و جنبه‌های مختلف مربوط به وزارت پرداخته است (ماوردی، ۱۹۹۱: ۴۱ به بعد).

قوانین‌الوزاره محصول دورانی است که خلافت در بغداد با انواع تهدیدها از جانب فرمانروایان آل‌بویه از سوی و امیران ترک از سوی دیگر، روبرو بود و خلفا نیز اقتداری برای کنار زدن این گروه‌های رقیب نداشتند (ابن‌سنجر، ۱۳۵۷: ۲۲۱-۲۲۶؛ بوسه، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۴۲).



### یافته‌ها: استخراج کدها و انواع مضمون‌ها

در این پژوهش، متن عربی *قوانین‌الوزاره* تقریباً به‌طور کامل و در چهار مرحله بازخوانی و کدگذاری شده است. ابتدا پاره‌های مضمونی آن که ممکن است گاه یک جمله کوتاه و گاه تفصیلی باشد، از یکدیگر تفکیک شده‌اند و در برابر هر پاره مضمونی، یک کد باز با تحلیل پژوهش‌گر استخراج و درج شده است. بر این اساس، بیش از ۳۰۰ پاره مضمونی به‌دست آمده است. در ادامه، از هر یک از این پاره‌های مضمونی، یک مضمون پایه استخراج شده است. از تحلیل مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده که تعداد آنان به نسبت مضامین پایه کم‌تر است، به‌دست آمده و با تحلیل این مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* حاصل شده که کم‌ترین تعداد را دارند، اما مهم‌ترین مضامین شکل‌دهنده اثر محسوب می‌شوند؛ به‌عبارتی دیگر، کدهای باز مرحله اول، محتوا و صورت‌های متنوع موضوعی از تکرار مضامین فراگیر بوده‌اند. مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* ۱۹ مضمون است. بر اساس تحلیل صورت گرفته، این ۱۹ مضمون به سه دسته مضامین بحران، آیین‌نامه‌ای و اصول تقسیم می‌شوند: الف- مضامین بحران شامل سه مضمون «ناکارآمدی دولت»، «انحطاط اخلاق سیاسی» و «نارضایتی مردم» هستند؛ ب- مضامین آیین‌نامه‌ای ابتدا به دودسته «برنامه و الگو» تقسیم می‌شوند؛ سپس در دسته مضامین مرتبط با برنامه، ۵ دسته مضامین «فکری، محاسباتی، مالی، اجرایی و بهره‌وری» و در دسته مضامین الگو، دودسته «ساختاری و رفتاری» با زیرمجموعه‌های خود قرار می‌گیرند؛ ج- مضامین اصولی شامل ۴ مضمون «رفاه، عدالت، طبقات و پیشرفت» هستند. برخی مضامین برگزیده شده از سوی پژوهشگر، مضامینی هستند که عیناً و یا به‌صورت مشتقات لغوی در متن *قوانین‌الوزاره* آمده است؛ برای نمونه مفهوم «عدالت» که به‌عنوان یکی از مضامین اصولی به آن یا مشتقات آن در متن *قوانین‌الوزاره* اشاره شده است. در مقابل، شمار دیگری از مضامین هستند که مستقیماً چه خود آن‌ها و چه مشتقات لغوی آن‌ها در متن مورد اشاره لفظی قرار نگرفته‌اند؛ این دسته از سوی پژوهش‌گر و در فرایند تحلیل‌های مضامین استخراج مفهومی شده‌اند؛ این مضامین ممکن است بیشتر با فضای لغوی معاصر در دولت پژوهشی تطبیق داشته باشند و امتیاز ویژه‌ای هستند که متن

اندیشمندان گذشته را برای ذهن معاصر درک‌شدنی ساخته‌اند، هرچند تحمیل اجباری بر متن نیستند و مفهوم کلی آنان دقیقاً با اندیشه ماوردی تطبیق دارد و حاصل فرایند سنتز ذهنی پژوهش‌گر معاصر و متن متقدم است. مفاهیمی مانند «رفاه، پیشرفت، انواع برنامه‌های محاسباتی و بهره‌ورانه و نارضایتی مردم» از این دست هستند. جدول ذیل نمونه‌هایی را نشان می‌دهد:

### نمونه جدول یکپارچه (تمام مراحل) استخراج تحلیلی مضامین

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای باز	ماوردی، :۱۹۹۱	شماره کد
برنامه	اجرای برنامه‌ها	عمل‌گرا بودن وزیر	لزوم سعی و تلاش برای اصلاح مملکت، عدم اکتفا به قول و لزوم عمل به گفته‌ها؛	۴۲	۲
عدالت	عدالت جزایی	ضرورت مجازات و بخشش به موقع	از لغزش‌های فرمانروا یکی بخشش است درجایی که باید خشمگین باشد و دیگری، خشم است درجایی که باید بخشد؛	۴۷	۱۱
الگوی رفتاری	مدیریت خشم	ابراز خشم و مدیریت آن	بدترین دشمن آدمی خشم است؛ خشم باید در ظاهر باشد تا به واسطه آن اراده محکم خویش را به دشمن نشان دهی؛ [اما در عین حال، هنگام خشم باید تعادل [روانی] را حفظ کنی؛	۵۲	۲۳
الگوی ساختاری	شرح وظایف وزیر	شرح وظایف اجرایی وزارت اعم از سیاست‌گذاری و اجرای آن و تلاش برای حفظ ساختار دولت	وزارت تفویض، تدبیر است و به واسطه عقد و حل و تقلید و عزل [صورت پذیرد]؛ و اما عقد شامل دو شرط است [یعنی] تنفیذ و اقدام؛ و حل شامل دو شرط دیگر است [یعنی] دفاع و حذر؛	۵۹	۵۲

### مضامین بحران و عوامل بحران

شماری از مضامین و یا عبارات *قوانین‌الوزاره* به وجود بحران در ساختار سیاسی دولت اشاره دارند. اهمیت آرایه‌های ادبی یا آنچه در زبان عربی، «بلاغت» نامیده می‌شود و تسلط ماوردی بر آن، موجب شده است، مضامین نگارنده در باب بحران، از طریق جملات خبری و انشایی و گاه حتی با نوعی از کاربرست تضاد مفهومی ارائه شده باشند (برای اطلاع بیشتر نک:

هاشمی، ۱۳۸۸: ۹۱/۱ و ۱۲۵، ۲/۲۴۷)؛ مثلاً درجایی که نگارنده در باب «ضرورت رویکرد عدالت محور نظام سیاسی به مردم و تأثیر این موضوع در فرمان برداری مردم از ساختار سیاسی (ماوردی، ۱۹۹۱: ۴۵)» سخن می گوید، در حقیقت با شیوه‌ای بلاغی به «وجود بحران نافرمانی مردم نسبت به دولت که ناشی از بی‌عدالتی نظام سیاسی نسبت به مردم است»، اشاره دارد. به هر حال، مضامین *قوانین‌الوزاره* که به وجود بحران و ریشه‌ها یا علل آن اشاره دارند، در این متن در ۳ دسته از مضامین قابل‌بازشناسی هستند. در جدول ذیل به آنان بر اساس تعداد بسامد اشاره شده است:

- «ناکارآمدی دولت» (بندهای ۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۶): ۹ مضمون - تکرار،
- «انحطاط اخلاق سیاسی» (بندهای ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸): ۶ مضمون - تکرار،
- «نارضایتی مردم» (بندهای ۳، ۹، ۱۰، ۱۹): ۴ مضمون - تکرار.

شماره	بحران - علل بحران	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	ناکارآمدی دولت با عنوان «فساد» و با مسئولیت وزیر (نه فرمانروا) به عنوان رئیس دولت ناشی از نداشتن آیین‌نامه‌های اجرایی در دولت	۴۲
۲	ناکارآمدی دولت با عنوان «اختلال» یا واژگان هم‌ریشه مانند «خلل» با مسئولیت وزیر (نه فرمانروا) به عنوان رئیس دولت ناشی از نداشتن آیین‌نامه‌های اجرایی در دولت	۴۲
۳	نافرمانی مردم ناشی از عدم رعایت عدالت از سوی دولت	۴۵
۴	بی‌برنامگی دولت ناشی از عدم پایبندی به تحقق «وعده‌ها» (برنامه پاداش‌ها) و «وعیدها» (برنامه توبیخ‌ها)	۴۹
۵	انحطاط اخلاق حرفه‌ای کارگزاران ناشی از «هزل‌پیشه‌گی» و نداشتن جدیت در رفتار سازمانی	۵۳
۶	فروپاشی ساختاری دولت ناشی از نداشتن آیین‌نامه‌های اجرایی در دولت	۶۱
۷	اختلال در حکمرانی ناشی از ناتوانی قوا میان دستگاه‌ها	۶۷
۸	درگیری ساختاری کارگزاران ناشی از فقدان آیین‌نامه‌های توازن‌بخش دستگاهی	۷۱

۹	ناامنی روانی مردم ناشی از عملکرد ناکارآمد دولت	۷۷
۱۰	مصلحت ستیزی جمعی ناشی از عدم توجه نسبت به آبادانی، انسجام نیروهای مسلح، بهره‌برداری منابع و رسیدگی به رفاه مردم	۹۵
۱۱	انحطاط اخلاق حرفه‌ای کارگزاران ناشی از «هوای نفس فردی»	۱۰۲
۱۲	نا ترازی اقتصادی ناشی از بی‌برنامگی دخل و خرج دولت	۱۱۲
۱۳	انحطاط اخلاق سیاسی ناشی از فرمان‌برداری ساختاری دولت از «فرمانروای دارای هوای نفس»	۱۳۹
۱۴	توهم سیاسی فرمانروا (گمان به کارآمدی و عدالت در عین ناکارآمدی و بی‌عدالتی) ناشی از ریای سیاسی کارگزاران یا ریای ساختاری	۱۴۰ و ۱۵۳
۱۵	فقدان کارگزاران کارآمد ناشی از شایسته ستیزی ساختاری	۱۴۰
۱۶	ناکارآمدی ناشی از تراکم کارگزاران و عدم چابک سازی ساختاری	۱۴۲
۱۷	انحطاط اخلاق حرفه‌ای کارگزاران ناشی از فساد اخلاقی بزرگان سیاسی	۱۴۳
۱۸	تهدید منافع عمومی ناشی از تضاد منافع مردم و کارگزاران	۱۵۸

### مضامین راه حل بحران: آیین‌نامه‌ها

بخش مهمی از مضامین قوانین‌الوزاره، مضامین آیین‌نامه‌ای هستند که از نظر تنوع و تعداد، بسامد بسیار بیشتری نسبت به سایر مضامین دارند، موضوعی که نشان‌گر رویکرد اجرایی ماوردی است. این مضامین به‌مثابه قانون، اسناد بالادستی، تبصره‌ها و لوایح دولتی هستند که به‌دقت و شفافیت بیان شده‌اند و کاربردهایی مشخص دارند؛ آنان به‌وضوح بر میزان کارایی دولت می‌فزایند و رئیس دولت (وزیر) را در راهبردهای اجرایی آن یاری می‌رسانند. مهم‌ترین این مضامین را می‌توان چنین تحلیل کرد:

### برنامه

بخشی از این مضامین مشخصاً برنامه‌های اداری دولت و مسئول اجرایی آن یعنی وزیر است. این برنامه‌ها با توجه به اهدافشان به دسته‌های ذیل تقسیم می‌شوند:

### فکری

	برنامه فکری	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	داشتن تدبیر برای برنامه‌های فکری وزیر	۱۴۴-۱۴۵
۲	داشتن روال برای برنامه‌های فکری وزیر	۱۴۴-۱۴۵
۳	ضرورت «فکر تخصصی» برای انجام هر برنامه دولت	۸۳
۴	داشتن برنامه‌های دائمی مشورت با متخصصان	۱۰۴-۱۰۶
۵	معادل‌سازی «تخصص» یا کاردانی مشاوران با مفهوم کلان و جامع «عقل»؛ تخصص مشاوران برابر عقل دستگامی (مدل کارکرد گرایانه)	۱۰۴-۱۰۶

### محاسباتی

از جمله مضامین اشاره‌کننده به برنامه، مضامینی هستند که ماهیت برآورد و محاسبه دارند و به شرح ذیل بیان شده‌اند:

	برنامه محاسباتی	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	ضرورت محاسبات دقیق زمان، اسباب، پیش شرطها و نیازهای انجام هر برنامه اجرایی	۸۱-۸۲
۲	برآورد سود و زیان و صرفه و صلاح هر طرح اجرایی	۸۲
۳	انجام زمان‌بندی متناسب برای هر طرح اجرایی	۸۴
۴	برآورد میزان آسیب‌رسانی تهدیدات احتمالی علیه هر طرح اجرایی (مفهوم «حَدَر»)	۸۸-۹۰
۵	آمادگی پایدار و هوشیاری دائمی در برابر تهدیدات بالقوه، از جمله کشمکش‌های ساختار قدرت (ایهام‌برانگیز از مفهوم ناسازگاری روزگار با اهداف آدمی)	۱۰۴ و ۱۰۰

## مالی

از موارد کم‌بسامد، اما بسیار جالب و حائز توجه در مضامین آیین‌نامه‌ای، پرداختن به بودجه تحت مفهوم «وظایف تقلید» برای وزیر است. ماوردی در یک پاره موضوعی نسبتاً طولانی، مؤلفه خرج‌بردار اصلی بودجه را شامل هزینه‌های جاری دولت یعنی مستمری سپاهیان و دولت‌مردان، هزینه‌های تکمیلی درخواستی از سوی ناظران یا همان کارگزاران استخراج منابع بودجه دولت و نیز بودجه تنخواهی در اختیار ناظران مالی دانسته است (ماوردی، ۱۹۹۱: ۱۱۴)؛

## اجرایی

بخشی از مضامین برنامه‌ای معطوف برنامه‌های اجرایی و یا ماهیت اجرایی دولت هستند:

ماوردی، ۱۹۹۱:	برنامه اجرایی	
۸۱ و ۱۵۳	ماهیت و توان اجرایی دولت مهم‌ترین خصوصیت آن است	۱
۴۲، ۵۱-۴۹	عمل‌گرا بودن نهاد دولت و ضرورت قابلیت اجرایی برنامه‌های آن؛ ادای وظایف دولت در قبال آنچه در امور مردم برنامه‌ریزی شده است	۲
۱۵۳-۱۵۴	دوری کامل از رویکرد تبلیغی و تمرکز محض بر انجام امور به‌جای تبلیغ؛ پرهیز از تملق دستگامی (تبلیغ)	۳

## بهره‌وری

در نظر ماوردی دولت هم‌زمان با حرکت و پویایی اجرایی، باید مدام از نظر میزان موفقیت در این مسیر، سنجیده شود و نیازمند برنامه سنجش بهره‌وری است؛ مقولات این برنامه چنین دیده شده‌اند:

ماوردی، ۱۹۹۱:	برنامه بهره‌وری	
۸۴-۸۶	آسیب‌شناسی برنامه‌های اجرایی	۱
۹۵	حفظ منابع، بنیه‌های مالی و انسانی و توجه به مصالح دستگام	۲

۳	شایسته‌سالاری و دقت در گزینش بهترین افراد برای مقام‌ها در ساختار دولت	۴۹
۴	کیفیت کار گزاران: دقت در ضوابط گزینشی کار گزاران و پرهیز از گزینش افراد «ناتوان و بی کفایت، شرور، بی مروت، ناجوانمرد و خائن»	۱۴۱-۱۴۲
۵	کمیت کار گزاران: به کارگیری به اندازه کار گزاران از نظر کمی (حفظ چابکی دستگاه)	۱۴۲
۶	نظارت بر عملکرد کار گزاران و میزان تسلط آنان بر امور و میزان پیگیری امور از جانب ایشان	۱۴۴، ۱۴۰
۷	حفظ مفهوم «سر/ اسرار» یا «محرمانه» بودن اصل برنامه‌های اجرایی دولت	۱۵۱

### الگو

مجموعه مضامین قوانین/الوزاره نشان‌دهنده تفکر دستگاهی ماوردی است. از میان این مضامین، مضامین مرتبط با الگوها یا ساختارها بیشترین بسامد را دارند. این دست مضامین که از آن‌ها به روشنی ماهیتی کارکرد گرایانه مستفاد است، در دو صورت قابل دسته‌بندی هستند؛ مضامینی که به ساختارهای دولت اشاره دارند و بر سازنده آن‌ها هستند (ساختاری) و مضامینی دیگر که شکل‌دهنده الگوهای رفتاری نقش‌آفرینان در این ساختار هستند و چارچوب‌های این رفتار سازمانی را مشخص می‌سازند (رفتاری). عمده‌ترین مضامین این دودسته به شرح ذیل است:

## ساختاری

### جایگاه ساختاری:

مضامینی آیین نامه که رابطه جایگاهی کارگزاران دولت، از جمله وزیر را با فرا دستان و فرودستان دستگاهی هر جایگاه مشخص می کنند.

	الگوی ساختاری: جایگاه	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	فرا دست مستقیم وزیر فرمانروا است	۴۲
۲	وزیر مسئول «تدبیر» یا تعادل ساختار قدرت از جمله تعادل میان فرمانروا و مردم است	۴۲

### کارکرد:

رویکرد کارکرد گرایانه ماوردی در نگاه به دولت در برخی مضامین به صورت توضیح و تدقیق جایگاه کارکردی وزیر در ساختار دولت دیده می شود؛

	الگوی ساختاری: کارکرد	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	وزیر ستون فقرات جامعه است و با تحمل پذیری مشقت های اجرایی دولت را محقق می سازد	۵۷
۲	وزیر حائل ایمن میان فرمانروا و جامعه است	۵۷

### پایداری ساختار:

از نظر ماوردی دولت کارآمد به عنوان نهادی هوشمند می تواند ضوابط و شرایط استمرار و پایداری را از راهبردهای ذیل فراهم آورد؛ این پایداری از نظر ماوردی در برابر تهدیدات داخلی ضد دستگاه است و مفهوم «دفاع» به آن اشاره دارد:

	الگوی ساختاری: پایداری ساختار	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	باید از فرمانروا، کشور، وزیر و مردم دفاع شود	۶۷



۲	دفاع از فرمانروا شامل جلوگیری از نافرمانی کارگزاران و سپاهیان، حفظ تعادل در قدرت کارگزاران و سپاهیان و جلوگیری تحریک کارگزاران و سپاهیان برای قدرت‌طلبی و انواع شورش آنهاست	۶۷-۶۸
۳	پایدار نگاه داشتن شرایط صلح (از طریق مدارا در درون دولت و حفظ بنیه نظامی در بیرون دولت - کشور)	۶۹-۷۰
۴	حفظ جایگاه و شخص وزیر در برابر فرمانروا، حتی با محاسبه رفتارهای بالقوه منفی فرمانروا	۹۰-۹۱
۵	رقابت (منافس) سالم درون‌سازمانی برای ارتقا فردی تنها منوط به عدم لطمه به یکدیگر و سازمان، جایز است	۷۴-۷۵

#### ادای حقوق ساختاری:

به جز نگاه کارکردی به مقامات دولت برای حفظ بقای ساختار، ادای حقوق هر مقام در هر جای ساختار نیز برای بقای آن ضروری برشمرده شده است. ادای این حقوق که با جزئیات و توصیفات دقیق برشمرده شده‌اند، مانع مهم ایجاد تضاد و تقابل در ساختار دانسته شده است. در ضوابط و آیین‌نامه‌های *قوانین‌الوزاره* این حقوق چنین برشمرده شده‌اند:

	الگوی ساختاری: ادای حقوق ساختاری	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	در رأس حقوق درون دستگاہی، حقوق فرمانروا بر گردن وزیر توصیف شده است	۹۷
۲	از حقوق متقابل وزیر بر فرمانروا، تضمین عدم تصرف بی‌دلیل و نابجای فرمانروا در جان، مال و جایگاه وزیر و عدم برتری دادن بی‌دلیل کارگزاران فرودست بر وی است، به نحوی که وزیر صرفاً به سلیقه فردی، حالی و لحظه‌ای فرمانروا دچار تخیل در جایگاه نگردد، تصمیمات صحیح و کارشناسانه وی مورد	۹۷-۱۰۰

	بی‌احترامی قرار نگیرد و در برابر مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر، اما مؤثر در بروز شکست، مصونیت داشته باشد.	
۳	حقوق فرمانروا بر وزیر، عالی‌ترین نوع حقوق و شامل ضرورت تحمل‌پذیری وزیر در مشقات اجرایی وزارت، ترجیح منافع فرمانروا بر منافع خود، شکرگزاری نسبت به فرمانروا، تبلیغ محاسن وی و پوشش معایب او (به‌ویژه در فساد اخلاقی)، اخلاص در خدمت‌گزاری، عدم مخالفت در نظر و عدم خیانت است.	۱۳۳-۱۳۶
۴	حقوق فرمانروا بر وزیر رتبه بعد از حقوق الهی بر انسان را دارد و ادای آن موجب سعادت دنیوی می‌گردد. این حقوق موجب اطاعات محض از فرمانروا است، مگر در فساد اخلاقی.	۱۳۹
۵	پیشنهاد چشم‌پوشی وزیر از باقی‌مانده‌های اندک از دیون مالی برای مدیون نگاه‌داشتن فرمانروا نسبت به خود	۱۵۵

### شرح وظایف:

مضامین پربسامدی به‌دقت به توصیف شرح وظایف آیین‌نامه‌ای کارگزاران دولت، با تأکید بر وزیر پرداخته است؛ بدیهی است که شرح وظایف نیز به شکل‌دهی به ساختار دولت کمک فراوانی دارد. این وظایف شامل موارد ذیل است:

الگوی ساختاری: شرح وظایف	ماوردی، :۱۹۹۱
۱ در صدر شرح وظایف وزیر، انجام فرمان‌های فرمانروا است، مگر آن‌که فرمان به فساد اخلاقی باشد	۹۳
۲ ریاست بر کارگزاران و اختیارداری جمیع اموال وظیفه وزیر است	۵۸
۳ انجام امور «تفویض» که بزرگ‌ترین و نافذترین وظیفه وزیر است و شامل تمامی امور اصحاب قلم و شمشیر یا نهادهای کشوری و لشکری می‌شود	۵۸

۴	تفویض همان تدبیر است و شامل انجام مقولات اجرایی دولت تحت عناوین «عقد» و «حل»، «تقلید» و «عزل» است. عقد شامل «تنفیذ» و «اقدام» و حل شامل «دفاع» و «حَدَر» است.	۵۹
۵	تنفیذ فرایند تصمیم‌سازی اجرایی دولت از فرمان‌ها و اهداف کلان فرمانروا است و یک نوع نیابت از فرمانروا محسوب می‌شود و مهم‌ترین ارزش آیین‌نامه‌ای را دارد. در حقیقت، تنفیذ استخراج راهبردهای میانی اجرایی از فرمان‌های کلی فرمانروا است؛ فرایندها و شرایط تنفیذ شامل: اثرگذاری مثبت بر فرمان‌های فرمانروا تا مصون از خطا باشند؛ انجام به‌موقع فرمان‌های وی؛ تصمیم‌سازی در انجام فرمان به بهترین شکل؛ در جریان قرار دادن فرمانروا از جزئیات راهبردهای میانی؛ در این فرایند، اولویت با نظر فرمانروا است، مگر وزیر بتواند در موارد اختلافی فرمانروا را توجیه به عمل به رأی خود نماید.	۶۱-۶۳
۶	مقوله‌ای دیگر از تنفیذ مربوط به انجام امور اجرایی توسط کارگزاران است که یا تصمیم‌سازی جزئیات به تشخیص خود آن‌هاست و با مسئولیت خودشان و یا با وزیر است و به مسئولیت وزیر و کارگزاران صرفاً معجزی هستند	۶۳
۷	امور طبقات مردم مقوله‌ای دیگر از تنفیذ است که بر اساس دو اصل عدم تعارض منافع دولت با منافع طبقات و عدم دخالت طبقات فرادست در تجارت ایشان انجام خواهد شد	۶۴
۸	«تقلیدِ تقریر» یا انشاء مقررات بر عهده وزیر است و او بسته به در دسترس بودن یا نبودن امری که باید در مورد آن تصمیم‌سازی و مقررات نویسی انجام شود، به‌واسطه کارشناس یا نماینده‌ای مستقیماً زیر نظر خود (بدون اجازه تصمیم‌سازی) و یا نماینده‌ای تام‌الاختیار (دارای حق تصمیم‌سازی) آن را انجام می‌دهد	۱۰۹- ۱۱۰

<p>۹</p>	<p>«تقلید تدبیر» انجام امور اجرایی و دیوانی وفق آیین نامه‌های جاریه است که به حوزه‌های لشکری و کشوری تقسیم می‌شود و در هر دو حوزه، به‌طور غیرمستقیم زیر نظر وزیر و توسط سفیر (در امور لشکری) و نماینده (در امور کشوری) اداره می‌شود.</p>	<p>۱۱۲- ۱۱۳</p>
<p>۱۰</p>	<p>عزل کارگزاران از مقولات تفویض و وظایف وزیر است و در صورت بروز مواردی چون خیانت، عدم کفایت انجام امور محوله، ظلم به دیگران و نداشتن هیبت برای انجام امور، عزل کارگزار جایز است. عزل کارگزار برای جایگزین کردن وی با کارگزاری شایسته‌تر نیز جایز است و درعین حال، برداشتن کارگزاری از مقامش به سبب کفایت بیش از حد وی و به‌منظور ارتقای او به مقامی بالاتر نیز از مقولات عزل به شمار آمده است.</p>	<p>۱۱۵- ۱۲۰</p>
<p>۱۱</p>	<p>تنفیذ جزئی از وظایف وزیر است و شامل چهار مقوله است:          ۱. سفارت میان فرمانروا و مردم و کارکرد چشم و گوش طرفینی داشتن و استیفای حقوق طرفینی آن‌ها و منظور از مردم:          ۱.۱. سربازان با تأکید بر مطالباتشان          ۱.۲. کارگزاران با تأکید بر اصلاح امور اجرایی          ۱.۳. رعیت با تأکید بر برقراری عدل          ۲. ارائه مشورت به فرمانروا، چه با خواسته فرمانروا و چه با تصمیم وزیر به‌منظور اصلاح امور          ۳. «عنایت» یا جانشینی فرمانروا در هر امر مرتبط به منافع او و دولت و عمل بدان با تأکید بر:          ۳.۱. آگاهی وزیر از امور دولت          ۳.۲. ارائه گزارش دقیق به فرمانروا          ۴. «حرص» یا وجدان کاری فعال برای خدمت به فرمانروا و دولت</p>	<p>۱۲۱- ۱۲۹</p>

۱۲	<p>وزیر در جایگاه تنفیذ مقامی «استمداد»ی دارد و نماینده فرمانروا است در:</p> <p>۱. امور فرمانروا</p> <p>۲. امور مردم</p> <p>باید در مقوله دوم، با نظر فرمانروا انجام شود و وزیر اراده‌ای از خود ندارد. عدم داشتن اراده تصمیمی موجب عدم بازخواست وزیر در خطاهاست. وزیر در این جایگاه مأموریت انجام اراده فرمانروا را دارد و بدون حکم بر این جایگاه بر گمارده و بدون آن و بدون استعفای خود و تنها با متار که محل خدمت معزول است.</p>	۱۳۱
۱۳	<p>وزیر در جایگاه تفویض مقامی «استسلام»ی دارد و از فرمانروا در تصمیم‌سازی نمایندگی تام دارد. از این رو، بدون مشورت با فرمانروا می‌تواند تصمیم بگیرد؛ این اختیار عمل او را «تقلید» گویند؛ گمارش او با حکم رسمی و عزل و استعفای او با حکم عزل و یا پذیرش استعفای او از سوی فرمانروا است. وزیر در مقام تفویض باید صلاحیت اداره امور کشوری و لشکری را داشته باشید.</p>	۱۳۰

### رفتاری

دیگر الگوی مهم در نظام فکری ماوردی، الگوی رفتاری است. الگوهای رفتاری در *قوانین‌الوزاره*، همان آیین‌نامه‌های دولتی در حیطه رفتار سازمانی هستند که این بار، رفتار رده‌های مختلف دستگاه را تصریح می‌کنند. برعکس آن که بخش مهمی از میراث اندیشه سیاسی در اسلام در بحث رفتار فضیلت‌مآب تلقی و تفسیر شده‌اند، اما تحلیل مضامین *قوانین‌الوزاره* این نکته موشکافانه را آشکار می‌سازد که فضیلت‌های رفتاری مطلوب در دستگاه نه صرفاً دستوراتی اخلاقی و انسان‌ساز هستند، بلکه هدف از آن‌ها حفظ کارایی رفتاری در دستگاه و کمک به بقا و بهتری آن است. عمده‌ترین این مضامین که بخش قابل توجهی را شامل می‌شوند، به شرح ذیل است:

### برون‌محور

برونداد این الگوهای رفتاری عینی و حتی در بیشتر موارد مؤثر بر کارکرد دستگاه و اثرگذار مثبت بر دیگر افراد شاغل در آن و یا مخاطبان آن باشد:

	الگوی رفتاری: برون‌محور	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	کم‌گویی	۴۷
۲	حفظ تعادل در زمان هیجانات احساسی شدید مانند خشم و شادی و یا حالات ویژه مانند فقر و ثروت	۴۷
۳	مدیریت خشم	۵۱-۵۲
۴	جدی بودن (شوخی نابجا نکردن) با تأکید بر حفظ «هیبت» به‌عنوان ویژگی مدیریتی	۵۳-۵۴
۵	بارز بودن عقلانیت در رفتار	۵۳
۶	خوش خلقی یا شوخی بجا برای رفع کسالت	۵۵
۷	شناخت روحیات فردی خویش	۵۵
۸	راست‌گویی و پرهیز از دروغ	۵۶
۹	عفو پیشگی	۷۰
۱۰	شر، ظالم و آسیب‌رسان ذاتی نبودن («واتر» نبودن)	۷۱
۱۱	سازنده و خیر بودن	۹۴
۱۲	اجتناب از فساد اخلاقی	۹۴
۱۳	جان‌فشانی و فداکاری سازمانی	۹۴
۱۴	مدیریت ترس در بحران - مدیریت بحران	۹۵
۱۵	خیرخواهی (بهینه‌خواهی برای سازمان: دولت)	۱۰۱-۱۰۲
۱۶	خیر کاری (بهینه کاری برای سازمان: دولت)؛ فرصت‌سنجی برای خیر کاری	۱۰۳ و ۱۵۲
۱۷	تباه‌گریزی	۱۰۲

۱۸	استحکام و صلابت در برابر تهدیدات علیه دولت	۱۰۶
۱۹	هوشیاری در برابر تهدیدات علیه دولت	۱۰۷
۲۰	ابتهت	۱۳۱
۲۱	مَنّت	۱۳۱
۲۲	همت	۱۳۱ و ۱۶۱
۲۳	عفت	۱۳۱
۲۴	جوانمردی	۱۳۱
۲۵	استواری رأی	۱۳۱
۲۶	نظافت و آراستگی تن و لباس	۱۳۶
۲۷	عمل به مکارم اخلاقی	۱۴۳
۲۸	تواضع و تواضع دوست ساز	۱۴۶-۱۴۵ و ۱۴۷
۲۹	احسان (دست بخشنده داشتن) و حزم (خوش رفتاری)	۱۴۷
۳۰	چشم پوشی	۱۴۸-۱۴۹
۳۱	مهربانی	۱۴۹
۳۲	احترام سازی اجتماعی نسبت به خود از مسیر نیکی و تدبیر در رفتار اجتماعی	۱۵۴

### درون محور

بخش دیگری از الگوهای رفتاری ارائه شده درون محور هستند، به نحوی که ماهیتی باورمندانه و درونی برای شخص وزیر یا هر کارگزار متصف به آنان دارند، هرچند همین باورمندی و یا درونی بودن این الگوهای رفتاری نیز در نهایت، بر بروندهای رفتاری فرد در ساختار سازمان اثر گذار خواهد بود؛

	الگوی رفتاری: درون محور	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	باورمندی به قضا و قدر	۴۳

۲	دین‌داری	۴۴
۳	ناپایدار بینی دنیا	۸۷ و ۱۶۰
۴	مال‌ناپرستی و خوار دیدن دنیا	۹۰ و ۱۵۹
۵	باور به مکارم خلاقیتی	۱۴۳
۶	بخشش خویش و ملامت نکردن خود در باب گذشته	۱۴۵
۷	شکرگزاری	۱۴۶-۱۴۷
۸	نداشتن سوءظن	۱۴۷
۹	ظاهر گذری و توجه به زبان حال افراد نه زبان قال	۱۴۸
۱۰	صبر در رسیدن به اهداف	۱۵۱-۱۵۲
۱۱	آسیب‌شناسی و ضعف‌شناسی فردی	۱۵۴
۱۲	پاک‌دامنی شهوت‌گریز	۱۵۹ و ۱۶۲
۱۳	عقل‌گرایی	۱۶۱

### مضامین اصولی یا آرمان‌شهری بعد از بحران

مضامین اصولی بسامد قابل توجه، اما کم‌تری به نسبت مضامین آیین‌نامه‌ای دارند. این مضامین به اصولی اشاره دارند که تحقق آنان موجب تبدیل جامعه به آرمان‌شهری واقعی و دست‌یافتنی می‌شود. این مضامین کاملاً ملموس و واقع‌گرایانه هستند و به‌دوراز هر نوع ایده آل‌گرایی انتزاعی، تحقق‌پذیر هستند و می‌توان با برنامه و هدف‌گذاری در هر جامعه‌ای بدانان دست‌یازید. این مضامین آرمانی یا اصولی شامل ۴ مضمون رفاه، عدالت، طبقات و پیشرفت هستند:

#### رفاه

مضمون اصولی رفاه هرچند مستقیماً مورد اشاره متن نیست، اما به‌عنوان یکی از اهداف کلان دولت کارآمد در اندیشه سیاسی ماوردی دیده می‌شود. مفهوم رفاه در کلام ماوردی شامل



حمایت و تضمین صادقانه دولت برای زندگی بی‌دغدغه، آبرومند و دور از مشقت تمامی افراد جامعه است:

	رفاه	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	رفاه غذایی و زیستی که مانع طغیان اجتماعی (صولت) است	۷۶
۲	امنیت روانی حاکمیت یعنی عدم ناکارآمدی روال‌های اجتماعی	۷۷ و ۷۹
۳	ثبات رفاهی جامعه در برابر بریزوپاش دولتی	۷۷
۴	توسعه زیربنایی برای رسیدن به رفاه	۷۸
۵	رسیدن به مازاد تولید و ثروت ناشی از آن	۷۸
۶	وجود رضایت عمومی	۱۵۴-۱۵۵
۷	باور خالصانه، صادقانه و از روی وجدان کاری کارگزاران به رفع تمامی نیازهای عمومی جامعه	۱۵۶-۱۵۷

### عدالت

عدالت از دیگر مفاهیم اصولی است که بسامدی محدود و انگشت‌شمار، اما کارکردی مهم و زمینه‌ای در اندیشه ماوردی دارد. مفهوم عدالت بیشتر با عنوان «عدل»، مورد استفاده ماوردی بوده است. مهم‌ترین مصادیق این مضمون به شرح ذیل است:

	عدالت	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	زمینه‌ای برای گسترش سرمایه اجتماعی ناشی از اعتماد اجتماعی طرفینی فی‌مابین دولت و مردم	۴۵
۲	سرچشمه عدالت دولت است و سپس مردم درواکنشی آینه‌وار در صورت ایفای دولت بدان، آن را بازتولید خواهند کرد	۴۵
۳	عامل مستقیم ایجاد چسبندگی اجتماعی.	۴۶
۴	در امور مالی، تقسیم برابر اموال؛ در بیان و تبلیغات، احترام برابر به افراد و شئون ایشان و در امور قضائی، عدالت در مجازات و پاداش‌هاست	۴۷

۵	تحقق عدالت جزایی یا برابری متناسب مجازات و پاداش در برابر عمل درست یا نادرست اجتماعی آنان (با تأکید بر عفو در مجازات)	۴۸
---	---	----

### طبقات

از دیگر اصول مهم در اندیشه سیاسی ماوردی، لحاظ طبقات اجتماعی و تأکید بر حفظ آن‌ها و عدم بروز اختلال در آن‌ها به عنوان یکی از اصول نظام سیاسی و اجتماعی است:

	طبقات	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	تکرار الگوهای باستانی طبقات چهارگانه (۱) اشراف، (۲) دین‌ورزان، (۳) زارعان و (۴) پیشه‌وران با تأکید بر ضرورت حفظ این نظام طبقاتی	۶۶
۲	از مؤثرترین راهکارهای اداره امور کلان دولت و تضمین حیات آن	۶۷-۶۹
۳	ضرورت جلوگیری از تعارض منافع اقتصادی طبقات؛ بر این مبنا که هیچ‌یک از آنان در حیطه فعالیت اقتصادی دیگری نفوذ و دخالت نکند؛ از جمله، منع فرمانروا و هر طبقه دیگری از دخالت سودمحور در اقتصاد هر یک از این طبقات، به‌ویژه زارعان و پیشه‌وران و استفاده از امتیاز ویژه سیاسی (به اصطلاح معاصر رانت) برای رسیدن به سود اقتصادی؛ این دخالت تهدید و اختلال‌گر حیات و کارآمدی دولت خواهد بود	۶۷-۶۹
۴	تکلیف وزیر بر حمایت و تقویت زارعان و پیشه‌وران در برابر تهدیدات طبقات فرادست	۱۵۸

### پیشرفت

مفهوم پیشرفت نزد ماوردی اقتصاد بنیان و به معنای «فزونی در دارایی‌های عمومی یا تولید ثروت عمومی» است. هر چند این مضمون بسیار انگشت‌شمار مورداشاره قرار گرفته، اما کاملاً واضح است که از آرمان‌های اندیشه ماوردی بوده است، به نحوی که رسیدن به این اهداف برای جامعه سالم لازم فرض شده است:

	پیشرفت	ماوردی، ۱۹۹۱:
۱	وظیفه اساسی حکمران برای رساندن جامعه به رشد از مسیر توسعه ارضی (همراه با صلح نه جنگ) و افزایش ثروت است	۸۲
۲	هدف گذاری رسیدن به توسعه ارضی نه از مسیر لشکرکشی، بلکه با تدبیر و بدون جنگ و خسارات ناشی از آن باشد	۸۳
۳	افزایش ثروت از مسیر اقتصاد زراعی بر مبنای رفتار عادلانه و حمایتی با طبقه زارعان	۸۳

### بحث و تفسیر مضامین

پژوهش حاضر با مطالعه روشمند *قوانین الوزاره* به بیش از ۳۰۰ پاره موضوعی و استخراج یک مضمون از هر یک از آنها، دسته‌بندی تحلیلی آنان و تبدیل آنان به مضامین سازمان دهنده و فراگیر دست یافت و سپس به تحلیل مضامین فراگیر نوزده گانه‌ای پرداخت که از تحلیل بیش از ۳۰۰ پاره‌های موضوعی به دست آمده بود.

### تطبيق تحلیلی مراحل چهارگانه نظریه اسپریگنز با *قوانین الوزاره*

در تحلیل نهایی مضامین به دست آمده از *قوانین الوزاره*، مناسب است از رهیافت توماس اسپریگنز برای فهم نظریات سیاسی ماوردی یاری جست. بر اساس این رهیافت، فهم هر نظریه سیاسی را مستلزم شناخت چهار مرحله (۱ بحران، ۲ علل بحران، ۳ راه حل بحران و ۴ آرمان شهر بعد بحران می‌داند. رابطه مضامین به دست آمده از *قوانین الوزاره* با این مراحل چهارگانه را می‌توان چنین تحلیل نمود:

### بحران و علل بحران

در رهیافت اسپریگنز، درک و شناسایی بحران اولین مرحله از اندیشه سیاسی اندیشمند است (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۴۳)؛ اندیشمند همچنان که وجود بحران را درک می‌کند، به شناخت علل آن نیز می‌پردازد (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۸۰). مضامین تحلیل شده بخش ۵-۱ از این پژوهش

شامل ناکارآمدی، انحطاط اخلاق سیاسی و نارضایتی مردم نشان‌دهنده بحران در نظرگاه ماوردی هستند. طبق جدول بخش ۵-۱، این مضامین که مجموعاً ۱۸ بار تکرار شده‌اند (به ترتیب ۹، ۶ و ۳ بار)، معلول‌های عللی هستند مانند فقدان آیین‌نامه‌ها برای اداره دولت، تهدید مصالح جمعی از سوی کارگزاران ناشایسته و هزل‌پیشه‌گی در رفتار سیاسی کارگزاران که از فرمانروا تا کارگزاران وجود داشته و موجب اضمحلال اخلاق سیاسی بوده است. به نظر می‌رسد که ماوردی در تصویرسازی از وجود بحرانی در ساختار دولت با سه بُعد ناکارآمدی، انحطاط اخلاق سیاسی و وجود نارضایتی عمومی در *قوانین‌الوزاره* موفق عمل کرده است؛ او برای تکمیل سخن در باب این بحران، درست در آخرین مبحث از *قوانین‌الوزاره* می‌کوشد تا با عباراتی اثرگذار با وزن واژگانی «أفعل» که معنای «شدیدتر» را در زبان عربی می‌رساند، مخاطب سیاسی خود را نسبت به وجود این بحران «بیشتر بر حذر داشته، هشدار داده، هدایت و نصیحت کند» و برای این منظور از قالب اقتباس از حدیث نبوی «أشراط الساعة» استفاده می‌کند و بدین ترتیب، با نوعی تشبیه مفهومی زوایای بحران اخلاقی، سیاسی و دولتی عصر خود را با بحران‌های آخرالزمانی اخلاقی، سیاسی و دین‌گریزانه حدیث مزبور که منجر به «نزول بلای الهی» خواهد شد، هم‌خوان می‌کند (ماوردی، ۱۹۹۱: ۱۶۲).

تطبیق شرایط تاریخی دوره ماوردی با این تصویرسازی از بحران، نگرانی‌های ماوردی را تأیید می‌کند؛ حداقل از یک قرن پیش از نگارش *قوانین‌الوزاره* تا روزگار ماوردی، بحران ناکارآمدی دولت مشهود بود (ابن مسکویه، بی‌تا: ۷۸/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۴۴۶/۸؛ ابن سنجر، ۱۳۵۷: ۲۲۳)؛ در این دوره، تسلط سرداران ترک که سپاهیان ویژه و اصلی خلیفه محسوب می‌شدند، بر روال‌های معمول دستگاه خلافت عباسی که سابقاً بر اساس نظام‌نامه‌های ایران ساسانی پایه‌ریزی شده بود (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۱۷۰-۱۷۳)، عملکرد دولت را مختل ساخته بود؛ حتی خلیفه و وزیر از قتل و غارت آنان در امان نبودند و تأسیس جایگاه‌های بی‌پشتوانه‌ای مانند «أمیرالأمرای»، یعنی ایجاد مقامی نظامی برای اداره دولت، نیز درنهایت، منجر به اختلال در سازمان دولت می‌شد (حاجی خلیفه، ۱۳۸۴: ۳۲۵؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۱۶/۲).

ابن سنجر (۱۳۵۷: ۲۲۳)، تاریخ‌نگار قرن هشتم، در تک‌نگاری ارزشمندش، در باب نهاد خلافت و وزارت در دوران ماوردی می‌گوید: «چون خلافت را رونقی نبود، وزارت را بی‌رونقی به‌طریق‌اولی باشد» که اشاره‌ای صریح به ناکارآمدی دولت است. تواریخ این دوره مشحون است از انواع کشمکش‌های بسیار سخیف میان دولتیان و غارت‌خزائن دولتی (برای نمونه: ابن سنجر، ۱۳۵۷: ۲۲۴، ۲۲۵؛ حاجی خلیفه، ۱۳۸۴: ۳۰۸)؛ سرداران ترک که سپاهیان را رهبری می‌کردند نیز عمده‌ترین تهدید ضد ساختار دیوانی بودند (ابن سنجر، ۱۳۵۷: ۲۲۵)؛ دقیقاً از همین روست که ماوردی با اقتباس دیگری از حدیث نبوی «السيف والقلم» سعی دارد تا نشان دهد که از نظر شرع نیز نظامیان باید تحت نظارت دیوانیان به خدمت پردازند (ماوردی، ۱۹۹۱: ۵۸).

بحران دولت در عصر ماوردی در حالی بود که از دوران اولیه اسلامی، تجربه نظام دولت در ایران ساسانی به خلافت اسلامی منتقل و موجب شکوفایی آن شده بود. این شکوفایی با به قدرت رسیدن عباسیان در سال ۱۳۲ ق.، از جمله در دوران اقتدار خاندان‌های دیوان‌سالاری مانند برمکیان و آل سهل به اوج روال مندی آیین‌نامه‌ای رسیده بود (بیهقی، بی‌تا: ۸۸۸-۸۸۹؛ گردیزی، ۲۰۰۶م: ۱۳۱؛ خواندمیر، ۱۳۵۵: ۵۴؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۳۱۸/۵؛ راوندی، ۱۳۵۴: ۱۳۶/۲)؛ به‌رغم این سابقه درخشان، در دوران ماوردی، نظام دولت دست‌خوش پریشانی داخلی شده بود که ماوردی آن را تصویرسازی کرده و به روایت مفهومی کشیده است.

## راه‌حل بحران

بر اساس رهیافت اسپریگنز، اندیشمند سیاسی پس از شناخت بحران و علل آن، راه‌حل عبور از بحران را ارائه می‌دهد و این بخش سومین مرحله از بیان اندیشه سیاسی اوست (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۵۳). راه‌حل عبور از بحران مهم‌ترین و بیشترین بخش از اثر ماوردی را به خود اختصاص داده است. همچنان که در تصویرسازی از بحران، تمرکز بسامدی اثر ماوردی بر ناکارآمدی و سپس انحطاط اخلاق سیاسی است و همچنان که او وزیر را در مقام رئیس دولت، مسئول ناکارآمدی می‌داند، در ارائه راه‌حل نیز به سراغ دولت می‌رود و می‌کوشد تا

با ارائه راهبردی برای بر ساختن دولت کارآمد، بر بحران فائق آید. بر ساخت دولت کارآمد از منظر ماوردی از طریق توسل به آیین‌نامه‌ها یعنی روال‌مند سازی ساختار و عملکردهای دولت و تشخیص دقیق جایگاه‌ها و تبیین حقوق و وظایف هر بخش محقق می‌شود. بدین ترتیب، *قوانین‌الوزاره* با تمرکز بر مضامین آیین‌نامه‌ای، پشتوانه‌ای نظری برای غلبه بر ناکارآمدی دولت فراهم می‌آورد:

۱. مضامین آیین‌نامه‌ای با ۲۸۰ مضمون بیشترین بخش از اثر را به خود اختصاص داده‌اند. این مضامین پر تعداد نشان‌دهنده آن هستند که بحران در نظریه سیاسی ماوردی «خلاً آیین‌نامه یا تضعیف و انحطاط آیین‌نامه‌ها» در اداره دولت بوده است. هم‌چنین از نظر ماوردی، عوامل این اضمحلال یعنی خلاً آیین‌نامه‌ای، عوامل «برهم زنده نظام ساختاری، رفتار سازمانی، مخدوش سازندگان شرح وظایف کارگزاران و سپاهیان و تصمیمات بی‌برنامه سلیقه محور و سازمان‌گریز یا ساختارشکن» بوده‌اند؛ از همین رو، ماوردی عمده‌ترین تمرکز را بر توصیف ساختار، رفتار سازمانی، شرح وظایف عوامل دولت و برنامه‌ریزی سازمانی گذاشته است.

۲. مضامین ساختاری *قوانین‌الوزاره* با ۱۲۱ مضمون در ۵ دسته به توصیف جزئی و سازمانی جایگاه‌های دولتی، کارکردهای هر جایگاه، ابزار لازم برای عدم اختلال در سازمان دولت، حقوق طرفینی هر مقام نسبت به بالادست و زیردست و شرح وظایف هر یک می‌پردازد. در این میان، ۷۴ مضمون مرتبط با شرح وظایف، ۳۱ مضمون مرتبط با راهکارهای حفظ پایداری ساختار و ۷، ۵ و ۴ مضمون مرتبط با حقوق سازمانی، جایگاه‌ها و کارکردهای عوامل دولت است.

۳. نود مضمون به الگوهای رفتاری در دولت اشاره دارند که از این میان، ۷۰ مضمون کاملاً بروندادی هستند و سلامت روابط و تداوم حیات رفتاری سازمان را تضمین می‌کنند. ۲۰ مضمون نیز هرچند ظاهری درونی و فردی دارند، اما مقوم زمینه‌های روان‌شناختی و روحی رفتارهای بروندادی برای سلامت سازمان هستند. این مضامین نشان می‌دهند که دولت کارآمد برای بقا نیاز به الگوهای رفتار سازمانی دارد، برای همین، ماوردی الگوهای

فضیلت مآبانه را در خدمت رفتار سازمانی و در مقابل بحران انحطاط اخلاق سیاسی به کار گرفته است.

۴. شصت و نه مضمون به ترتیب به برنامه‌های محاسباتی (۲۴ مضمون)، اجرایی (۱۶ مضمون)، فکری (۱۵ مضمون)، بهره‌وری (۱۳ مضمون) و مالی (۱ مضمون تفصیلی) اشاره دارند.

### جامعه آرمانی بعد از بحران یا بدون بحران

در رهیافت اسپریگنز، پس از کاربست راه‌حل‌ها در جامعه، شرایط ایده آل یا آرمانی آن جامعه فرامی‌رسد. اسپریگنز معتقد است که اندیشمند سیاسی به ترسیم این جامعه آرمانی در بخشی از اندیشه سیاسی خود خواهد پرداخت و او این بخش را مرحله چهارم از اندیشه سیاسی هر اندیشمند می‌داند (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۱۹). خوشبختانه در *توانین‌الوزاره* ماوردی این بخش چهارم نیز قابل‌بازشناسی است. آنچه به‌عنوان مضامین اصولی در بخش ۵-۳ از این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، دقیقاً با جامعه آرمانی در الگوی اسپریگنز تطبیق دارد. تحلیل این مضامین چنین است:

۱. تعداد ۲۸ مضمون مرتبط با اصول چهارگانه رفاه، طبقات، عدالت و پیشرفت، هرچند به نسبت مضامین آیین‌نامه‌ای کمتر هستند، اما آرمان‌شهر اندیشه سیاسی مدنظر را به‌روشنی مشخص ساخته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، این مضامین چهارگانه شکل ایده آل جامعه در اندیشه ماوردی را نشان می‌دهند.

۲. رفاه با بیشترین تعداد مضامین، اهمیت آن را به‌روشنی مشخص می‌سازد. دوره ماوردی، میانه عصر درخشان تمدن اسلامی است که از چند قرن قبل از آن، با زمینه‌سازی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فکری، هنری و اقتصادی موجبات رفاه در شهرهای پرشمار و آباد اسلامی را فراهم آورده بود؛ در عرصه اقتصادی، خلافت اسلامی حاکمیتی مطلقاً ثروتمند بود، اما گاه نیز نابسامانی‌هایی در عرصه اقتصادی روی می‌داد (لویس، ۱۳۸۹: ۱۶۴). هرچند بحران دولت در دوره ماوردی می‌توانست زمینه‌ساز چالش دستاورد تمدن اسلامی باشد، اما در آرمان‌شهر ترسیم‌شده از سوی ماوردی با اتکا به راه‌حل کارآمد سازی دولت، امیدواری به بازگشت به رفاه ایده آل در جامعه بیش‌ازپیش فزونی می‌یافت.

۳. تأکید بر طبقات واقعیت انکارناپذیر ذهنیت سیاسی نگارنده است. به نظر می‌رسد که ماوردی که یکی از مهم‌ترین شارحان و ناقلان ادبی میراث فکری و نوشتاری ایران باستان به ادبیات عرب به شمار می‌رود (برای نمونه نک: ماوردی، ۱۹۹۱: ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۶، ۸۲، ۹۸، ۱۱۰، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۷)، در تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی، نظام طبقاتی ایران باستان را می‌شناخته و طبقات را در این گفتمان درک کرده است (شرو، بریان و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۷). این بدان معنا است که با وجود سلطه ظاهری ترکان بر بخش‌هایی از نظام سیاسی عباسیان، گفتمان اجتماعی-سیاسی همچنان ایرانی بوده است. هم‌چنین باید توجه داشت که باور به نظام طبقاتی بیشتر به ایده آل‌های فکری نگارنده یا آنچه وی روال تشکیک‌ناپذیر حیات اجتماعی-سیاسی می‌دانسته است، اشاره دارد. بخش بسیار مهمی از درک طبقاتی ماوردی بر مسئله عدم مداخله دولت/فرمانروا در حیات اقتصادی سایر طبقات تأکید دارد که با دو اقتباس از احادیث نبوی به‌منظور تأکید بیشتر بر این مسئله همراه بوده است (ماوردی، ۱۹۹۱: ۶۴-۶۵).

۴. هرچند در دوره ماوردی مفهوم عدالت لایه‌های فکری-کلامی عمیق داشته و وی نیز با آن‌ها به‌خوبی آشنا بوده است، اما عدالت را در متن دولت‌نگارانه *قوانین‌الوزاره معطوف* به معنای اجتماعی آن به کار می‌برد. این نوع عدالت، جزء ایده آل‌های فکری نگارنده به شمار می‌آید و کاربرد مشخصی در تقسیم منابع، احترام به طبقات، عدم ورود آن‌ها به منافع اقتصادی یکدیگر و عدالت در اجرای مجازات قضایی (با تأکید بر عفو) دارد. در مفهوم عدالت، ماوردی تبادل مفهومی زیادی با مسئله طبقات نیز دارد و تلاش دارد تا موضوع ورود دولت در سود اقتصادی سایر طبقات را از مصادیق بی‌عدالتی نشان دهد (ماوردی، ۱۹۹۱: ۶۴-۶۵).

۵. در نظر ماوردی، پیشرفت به‌روشنی به افزایش سرمایه و رونق اقتصادی اشاره دارد و در کنار مضمون رفاه یک زوج مفهومی مکملی را بازسازی کرده است. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد در آرمان‌شهر ماوردی چهار مضمون رفاه، عدالت، طبقات و پیشرفت با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند و هم‌زمان با مفهوم «پنهان در متن» اقتصاد نیز رابطه‌ای سازنده دارند. من حیث المجموع، تلفیق مؤلفه‌های چهارگانه آرمان‌شهری در جامعه موجب رضایت عمومی



می‌شود که ماوردی از آن به‌عنوان «سرور عمومی مردم از وزیر (دولت)» یاد می‌کند (ماوردی، ۱۹۹۱: ۱۵۴) و آن را می‌توان نقطه مقابل بحران نارضایتی دانست که در بخش ۵-۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

### نتیجه

این پژوهش برای ارائه پاسخ معتبر به این پرسش‌ها آغاز شد که رابطه میان مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* با رهیافت بحران شناختی توماس اسپریگنز در اندیشه سیاسی چه بوده است و این مضامین چه رابطه‌ای با مفهوم دولت کارآمد برقرار ساخته‌اند؟ با علم به دخیل بودن عوامل مختلف در این موضوع، پاسخ این پژوهش بر این فرضیات استوار گردید که مضامین فراگیر *قوانین‌الوزاره* قابل تطبیق با مراحل چهارگانه بحران، علل بحران، راه‌حل بحران و آرمان‌شهر بعد از بحران در رهیافت توماس اسپریگنز هستند و علاوه بر آن، نشان می‌دهند که ماوردی دولت در دوره خود را دچار بحران ناکارآمدی می‌دانسته و تلاش داشته است تا با ترسیم آیین‌نامه‌های سازمانی، به تولید مفهوم نظری و تحقق عملی دولت کارآمد یاری رساند. برای ارائه پاسخ، این پژوهش به پنج بخش اصلی تقسیم گردید و در هر بخش این دستاوردها حاصل شد: ۱) در «مقدمه»، طرح مسئله و آشنایی با چارچوب موضوع (۲) در بخش «مروری بر ادبیات پژوهش»، شرح اهمیت *قوانین‌الوزاره* در اندیشه سیاسی اسلام و تبیین نحوه و علل کم‌توجهی به آن نزد پژوهش‌گران (۳) در بخش «روش، رهیافت، پرسش‌ها و مفروضات»، تبیین روش و نحوه کاربست رهیافت مفهومی اسپریگنز در موضوع و تبیین پرسش‌ها بر مبنای روش تحلیل مضامین و رهیافت بحران اسپریگنز (۴) در بخش «*قوانین‌الوزاره* و سوانح احوال ماوردی»، شرح حال ماوردی، حیات اجتماعی، علمی و سیاسی وی با تأکید بر آشنایی وی با مفهوم دولت و شرایط سیاسی زمانه وی (۵) در بخش «یافته‌ها»، ارائه بدنه اصلی پژوهش با استخراج کدها و دسته‌بندی انواع مضمون‌ها با تأکید بر مضامین بحران، علل بحران، راه‌حل‌گذار از بحران و آرمان‌شهر پس از بحران (۶) در بخش «بحث و تفسیر نتایج»، تطبیق تحلیلی مضامین دسته‌بندی شده در بخش پنج با رهیافت بحران اسپریگنز بر مبنای مراحل چهارگانه آن. اینک در مقام نتیجه‌گیری، نکات زیر قابل ارائه است:

۱. هر چند تصور غالب این است که *قوانین‌الوزاره* با توجه به رویکرد کلی ماوردی گونه‌ای از شریعت نامه‌نویسی است، ولی تمرکز بر وضعیت واقعاً موجود قدرت، تصویر کاملاً سیاست‌نامه‌ای از آن ارائه می‌دهد که گونه متفاوتی از جریان‌های دانش سیاسی در تمدن اسلامی در دوره میانه است. توضیح این که در دوره میانه اسلامی، حداقل سه جریان فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه‌های سیاسی و سیاست‌نامه‌ها از مهم‌ترین جریان‌های دانش در تمدن اسلامی بوده‌اند. اغلب ماوردی را در ذیل شریعت‌نامه‌نویسان ارزیابی کرده‌اند، ولی *قوانین‌الوزاره* وجوه برجسته‌ای از ماهیت سیاست‌نامه‌نویسی او را نشان می‌دهد.
۲. هر چند *قوانین‌الوزاره* نزد پژوهش‌گران مغفول مانده بود، اما این پژوهش نشان داد که این اثر سیاست‌نامه دولت نگارانه‌ای در تمدن اسلامی بوده است که نقش مهمی در برساخت مفهوم دولت کارآمد و تبدیل کارآمدی به گفتمان اصلی دولت داشته است. ماوردی با اطلاع دقیق از روال‌های جاری دولت در زمانه خود، این روال‌ها را صورت مخدوش شده از روال‌های دولت کارآمد می‌دانسته، از این رو، کوشیده است تا طی سیاست‌نامه‌ای به شناسایی بحران روال‌های ناکارآمد، ریشه‌های این نابسامانی‌ها، نسخه‌هایی برای رهایی از آنان و دورنمایی از دولت رهاشده از ناکارآمدی ارائه دهد. بازشناسی مضامین بحران-آرمان در این اثر، منجر شد تا با روش تحلیل مضامین، تقریباً صدها مضمون شکل‌دهنده این اثر شناسایی و در نوزده مضمون اصلی هسته بندی شوند؛ از این ۱۹ مضمون اصلی یا فراگیر، چهار دسته مضامین معطوف به بحران، علل بحران، راه‌حل بحران و آرمان‌شهر مابعد بحران بر اساس مدل مفهومی اسپریگنز بازخوانی شدند و نشان داده شد که این اثر نظریه‌ای سیاسی است که می‌توان با مدل مذکور آن را بهتر فهمید.
۳. موفقیت این پژوهش در کاربست مدل مفهومی اسپریگنز در متنی از قرون متقدم اسلامی، می‌تواند موجب شود تا این مدل برای درک سایر متونی که اینک صرفاً ادبی-موعظه‌ای انگاشته می‌شوند، کاربست یابد و بدین ترتیب، حوزه مطالعاتی اندیشه اسلامی با رهیافتی معاصر و با شتابی بیشتر مورد مطالعه و گسترش مرز دانش قرار گیرد.
۴. به نظر می‌رسد، ورود به عرصه مطالعه روزآمد آیین‌نامه نگاری‌های تمدن اسلامی، علاوه بر مدل کلان یا تحلیل مضامین کل اثر که در این پژوهش به کار بسته شد، نیازمند تطبیق

مراتب جزئی تر، یعنی صرفاً یک بخش از مضامین هر متن، با الگوهای مطالعات سیاسی و حتی بین رشته‌های مدیریتی، اقتصادی و... باشد تا بدین ترتیب، آنچه از الگوهای تمدن اسلامی برای اداره جوامع امروزی قابلیت کاربرد دارد، بهتر بازخوانی شود؛ برای نمونه، نظر ماوردی در باب عدم مداخله فرمانروا در اقتصاد زراعی و تجاری طبقات زارعان و تاجران، می‌تواند از منظر علوم اقتصادی محل نقد و تحلیل باشد.

۵. هرچند دست نامه دولت نگارانه ماوردی به حدود ده قرن قبل تعلق دارد، اما به سبب حاکمیت گفتمان خردورزانه، دین سالارانه، مردم محور و اخلاق مدارانه در آن، مضامین آن، به‌ویژه در حوزه آرمان‌ها و اصول قابل کاربرد و بهره‌برداری برای گفتمان سیاسی معاصر، به‌ویژه با رویکرد برساخت تمدن نوین ایرانی-اسلامی است، فلذا بایسته است پژوهش‌های این حوزه، مورد توجه نهادهای حکمرانی، دست کم در تدوین اسناد بالادستی قرار گیرد.

## منابع

### فارسی

- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن سنجر، هندوشاه. (۱۳۵۷). *تجارب السلف*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: طهوری.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (بی تا). *تجارب الأمم*. بی جا: بی جا.
- اسپریگنز، توماس. (۱۳۹۷)، *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: نشر آگه.
- بنداری، فتح بن علی. (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی*. ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بوسه، هیرمبرت. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران کمبریج: از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان* (جلد چهارم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل. (بی تا). *تاریخ بیهقی*. تهران: دنیای کتاب.

- پودات، پوران، صادقی گیوی، مریم، شیبانی اقدم، اشرف. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی آراء سیاسی ابوالحسن ماوردی و نوشته‌های جوینی در تاریخ جهانگشا. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، دوره ۱۳، شماره ۵۰: ۳۶۵-۳۹۴.
- تتوی، احمد بن نصرالله. (بی تا). *تاریخ الفی*. بی جا: بی جا.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۱۳۸۴). *ترجمه تقویم التواریخ*، مترجم ناشناس. تصحیح هاشم محدث. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۵). *دستورالوزراء*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: امیر کبیر.
- رضائیان، علی. (۱۳۹۱). *کاربست نظریه حکومت استیلای ماوردی در ارتباط خلافت و سلطنت در آغاز قدرت گیری سلجوقیان*. *تاریخ ایران*، شماره ۷۰/۵: ۶۱-۷۱.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی. (۱۳۸۱). *مجمع‌الأنساب*. تصحیح هاشم محدث. تهران: امیر کبیر.
- شرو، پ. ا.، بریان، پی یر، شکی، منصور. (۱۳۸۱ ش). *طبقات اجتماعی در ایران باستان*. ترجمه منیژه اذکایی، نامه پارسی، شماره ۲۶: ص ۱۷-۴۲.
- فضل الله، محمدرضا. (۱۴۲۸ ق). *الإدارة فی الإسلام*. نشریه الاجتهاد و التجدید، شماره ۷: ۳۰۲-۳۲۸.
- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف. (۱۳۸۶). *کب التواریخ*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه غلامرضا رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. (۲۰۰۶ م). *زین الأخبار*. ترجمه عفاف السید زیدان. قاهره: مجلس الأعلى للثقافة.
- لویس، برنارد. (۱۳۸۹). عباسیان. ترجمه علیرضا اشتری تفرشی. *نامه تاریخ پژوهان*. سال ششم. شماره ۲۴: ۱۵۲-۱۸۰.
- ماوردی، الإمام أبی الحسن. (۱۹۹۱). *قوانین‌الوزاره*. تصحیح فؤاد عبدالمنعم أحمد و محمد سلیمان داود. اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه.

محمدی، زهرا. (۱۳۹۸) حکومت اسلامی از دیدگاه ماوردی، ابن تیمیه، سیدقطب و عبدالسلام فرج. کلام حکمت، سال ۲، شماره ۴: ۵۵-۷۱.  
محمدی ملایری، محمد. (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران: توس.

هاشمی، احمد، (۱۳۸۸). جواهرالبلاغه. ترجمه حسن عرفان. قم: بلاغت.

#### **Translated References into English**

- Beyhaqi, Abulfazl. (No Date). Tarikh Beyhaqi. Duniyayeh Ketab Publisher. Tehran. [In Persian]
- Bundari, Fath b. Ali. (1977). The history of the Seljuq dynasty. Translated by M. H. Jalili Kermanshahi. Published by Iranian Culture Foundation, Tehran. [In Persian]
- Busse, H. (2010). The Cambridge History of Iran: From the Rise of Islam to the Coming of the Seljuk Empire (Volume IV). Amir Kabir Publisher, Tehran. [In Persian]
- Christensen, Arthur. (1989). Iran during the Sasanian era. Translated by Gholamreza Rashid yasemi. Duniyayeh Ketab Publisher, Tehran. [In Persian]
- Fadlullah, Mohammad Reza. (2007). "Administration in Islam". Al-Ijtihad wa al-Tajdid, 7, 302-328. [In Arabic]
- Gardizi, Abdulhay. (2006). Zayn Al-Akhbar. Translated by A. S. Zaydan. Majlis al-Ala li al-Thaqafah, Cairo. [In Arabic]
- Haji Khalifah, Mustafa b. Abdullah. (2005). The translation of Taqwim al-Tawarikh. Edited by Hashem Mohaddith. Mirath Maktub Publisher, Tehran. [In Persian]
- Hashemi, Ahmed, (2008). Jawahir al-Balagha. Translated by Hasan Irfan. Balaghat Publisher, Qom. [In Persian – Arabic]
- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad. (1965). Al-Kamil Fi Al-Tarikh. Dar Sader, Beirut. [In Arabic]
- Ibn-Miskawayh, Ahmad b. Muhammad. (No Date). Tajarib Al-Umam. No Place. [In Arabic]
- Ibn Sanjar, Hindushah. (1978). Tajarib Al-Salaf. Edited by Abbas Iqbal Ashtiani. Tahori, Tehran. [In Persian]
- Khandmir, Ghiyathuddin (1976). Dastur Al-Wuzara. Edited by Saeed Nafisi. Iqbal Publisher, Tehran. [In Persian]
- Lewis, Bernard. (2010). "Abbasians". Translated by Alireza Ashtri Tafarshi. Nameh Tarikh Pajohan, 24, 152-180. [In Persian]
- Mawirdi, Abi al-Hassan. (1991). Qawanin al-Wizarah. Edited by Fouad Abd al-Munim Ahmed and Mohammad Suleiman Dawud. Shabab Al-Jamiah Institute, Alexandria. [In Arabic]

- Mohammadi, Zahra. (2018) "Islamic government from the point of view of Mawirdi, Ibn Taymiyyah, Seyyed Qutb, and Abdussalam Faraj". *Kalam-i-Hikmat*, 4, 55-71. [In Persian]
- Mohammadi Malayeri, Mohammad. (2000). *Iran's history and culture during the transition from the Sassanid era to the Islamic era*. Tos Publisher, Tehran. [In Persian]
- Podat, P., Sadeghi Qavi, M. & Sheybani Aqdam, A. (2021). "Comparative analysis of the political opinions of Abul Hasan Mawirdi and Juwayni's writings in the history of Jahangusha". *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, Vol. 13, 50, 365-394. [In Persian]
- Qazvini, Yahya b. Abdullatif. (2007). *Lub al-Tawarikh*. Edited by M. H Muhaddith. Athar wa Mafakher Farhangi Publisher, Tehran. [In Persian]
- Ravandi, Morteza. (1975). *Social history of Iran*. Amir Kabir Publisher, Tehran. [In Persian]
- Rezaian, Ali. (2011). "The application of Mawirdi's theory of conquest about caliphate and monarchy at the beginning of the Seljuqs' rise to power". *History of Iran*, 70 (5): 61-71. [In Persian]
- Shabankarei, Mohammad b. Ali. (2002). *Majma Al-Ansab*. Edited by Hashem Muhaddith. Amir Kabir Publisher, Tehran. [In Persian]
- Shrovo, P. A., Brian, Pierre, & Shaki, Mansour. (2002). "Social classes in ancient Iran". Translated by Manijeh Azkaei, *Nameh Parsi*, 26, 17-42. [In Persian]
- Spragens, Thomas. (2017), *Understanding Political Theory*. Translated by Farhang Rajai. Agah Publisher, Tehran. [In Persian]
- Tatawi, Ahmed bin Nasrullah. (No Date). *Tarikh-i-Alfi*, No Place. [In Persian]

استناد به این مقاله: اشتری تفرشی، علیرضا. (۱۴۰۲). مفهوم دولت کارآمد در قوانین الوزاره ابوالحسن ماوردی (د. ۴۵۰ ق): با نگاهی به رهیافت مفهومی توماس اسپریگنز. *دولت پژوهی*، ۹(۳۶)، ۶۱-۹۸. doi: 10.22054/tssq.2024.74200.1423



The *State Studies Quarterly* is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.